

خانه > خارج از سیاست > ویژه نامه گلشیری > آقای هوشنگ گلشیری عزیز سلام

• جاب کنید

تاریخ انتشار: ۱۵ خرداد ۱۳۸۹

آقای هوشنگ گلشیری عزیز سلام

عمران صلاحی

وقتی که در خرداد ۱۳۷۹ هوشنگ گلشیری به طور ناپنهنگام درگذشت، هیچکس خبر نداشت که شش سال بعد طنزنویس نامدارهایان، عمران صلاحی هم در شصت سالگی در سحرگاه یک روز بایزی از دنیا می‌رود. ویژه‌نامه‌ی هوشنگ گلشیری به مناسبت دهمین سال درگذشت او را با طنزنوشته‌ی صمیمی اما غمناک «آقای حکایتی» سال‌های کارنامه و دنیاک سخن ادامه می‌دهیم؛ ده روز به نشانه‌ی ده سال، امروز با عمران صلاحی.

فیس بوک - زمانه



ورود به صفحه فیسبوکی زمانه

اعلانات

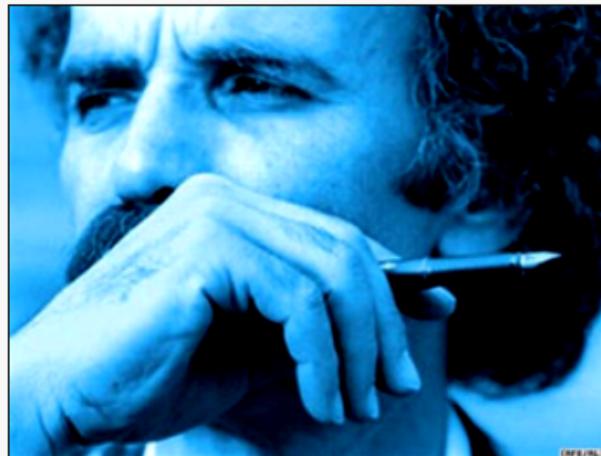


عمران صلاحی

امیدوارم حال شما خوب باشد و راحت خوابیده باشید، ما تصور می‌کنیم شما در آنجا هم که هستید، آرام و قرار ندارید و نگران نمائید. نگران به اینکه به بیراهه نرویم و درست فکر کنیم و خوب بنویسیم. اگر جویای احوال مت باشید ملالی نیست به جز دوری شما. هوای دل ما کاملاً ابری است و در بعضی نقاط، همراه با رگبارهای برآکنده.

دو سه سال است که بیشتر اوقات ما در بیمارستانها و گورستانها و مجالس ترحیم می‌گذرد. قرارها و دیدارهای ما بیشتر ترحیم است. این پنجه‌نشیه هم قرار است به مجلس ترحیم نویسنده‌ای دیگر برویم. اگر شما هم در سفر نبودی، حتماً می‌آمدید، آقایان مختاری و پوینده هم می‌آمدند. خانم علیزاده هم می‌آمد. لطفاً سلام ما را به آنها برسانید.

سابقاً برای دیدن دوستان از این کافه به آن کافه می‌رفتیم، اما حالا از این ختم به آن ختم. شما خودتان شاهد بودید، حتی به بعضی مجالس ترحیم با دلهره می‌رفتیم. چون بعضی از عوارض جانبی می‌خواستند ما را از حالت عمودی به حالت افقی در بیاورند.



هوشنگ گلشیری

آقای گلشیری عزیز
می‌بخشید اگر نامه کمی غیرجذی شد. شما خودتان هم با ما شوخی کردید. آخر چه معنی دارد که به این زودی بگذارید بروید. ما تازه چای دم کرده‌ایم و منتظریم بجهه‌ها داستان بخوانند. اهل قلم از ترس شما جرئت نمی‌کردن بد بنویسند. ما مطمئنیم بعد از این هم جرئت نخواهند کرد. چون شما همچنان حضور دارید و با خشم مهربان‌تان نگران و مراقب کار آنها هستید. شما بیشتر از آنکه خودتان بنویسید، گذاشتید دیگران بنویسند.

ما (خودم را می‌گوییم) بعد از رفتن‌ها نه سری به خانه‌ی شما زدیم و نه به آنجا تلفن کردیم. چون خیال می‌کردیم مثل همیشه در خانه مشغول نوشتن هستید و نباید وقت‌تان را بگیریم. حالا هم روی‌مان نمی‌شود به خانم - بجهه‌ها تسلیت بگوییم.

تو اگر
بسته‌ای بار سفر

تو اگر
نیستی دیگر

بس چرا من از همه جا
صدای تپش قلب تو را می‌شنوم؟



در همین زمینه:

- هستیش هنوز و نیستیش حالا کاتب
- نظرات بیان شده در این نوشته الزاماً نظرات سایت زمانه نیست.